

یادداشت

شبه‌روشنفکران و بحران اندیشه
بهنام افشار - روزنامه‌نگار

● جریان روشنفکری در ایران، چه در شکل دینی و چه در شکل و فرم غیردینی یا سکولار آن، این روزها دوران رخوت، رکود و نوعی خلأ گفتمانی را تجربه می‌کند و به نظر می‌رسد این جریان، کارگرد و تأثیرگذاری سابق خود را از دست داده است. این رخوت و رکود، ناشی از تغییرات اجتماعی و اقتصادی و تغییر در نوع نگرش، باورها و سبک زندگی افکار عمومی جامعه و همچنین وجود برخی محدودیت‌ها و موانع سیاسی است که باعث شده روشنفکران اصیل در جامعه به حاشیه رفته یا منزوی شوند؛ البته خود روشنفکران نیز تا حدود زیادی مسبب این خلأ گفتمانی و به حاشیه‌رفتن و منزوی شدن خود هستند؛ زیرا برخی از روشنفکران به دلیل بی‌تفاوتی و مسئولیت‌ناپذیری در قبال منافع و مصالح عمومی جامعه یا حتی به دلیل داشتن رویکردها و اندیشه‌های انتزاعی بلندپروازانه و آرمان‌گرایانه، آن‌هم در شکلی افراطی، از متن جامعه فاصله گرفته و نتوانسته‌اند خود را با اقتضات جامعه تطبیق دهند. در جامعه ما تعریف مدون و جامعی برای روشنفکری وجود ندارد و متقابلاً مشخص نیست روشنفکر واقعی و اصیل چه کسی است؛ بر اساس پیش‌فرض و معیاری که هر تحصیل‌کرده‌ای روشنفکر است، ما اکنون با خیل عظیمی از جمعیت روشنفکر در جامعه مواجه هستیم که مدعی روشنفکری هستند؛ اما اگر بر مبنای رویکردی واقع‌بینانه به روشنفکری در تعریف مصطلح آن و همچنین کارکردها، نقش عمومی و گفتمان‌سازی داشته باشد، توجه نشان دهیم، می‌بینیم که جامعه امروز ما با بحران و خلأ روشنفکر به معنای واقعی کلمه مواجه است. اکنون در سایه به‌حاشیه‌رفتن و منزوی‌شدن روشنفکران اصیل، ندغدغه‌مند و صاحب‌اندیشه، برخی چهره‌های شبه‌روشنفکر یا روشنفکران کاذب قد علم کرده‌اند که نه تنها قریب فکری و معنوی با روشنفکران اصیل و متقدم ندارند، بلکه به دلیل نداشتن غنای فرهنگی و بن‌مایه‌های فکری و همچنین نداشتن مهارت لازم برای ارتباط‌گیری و دیالوگ مؤثر با جامعه، نمی‌توانند به عنوان الگوهای فکری جریان‌ساز و گفتمان‌ساز ایفای نقش کنند. رخوت و رکود جریان روشنفکری و به‌حاشیه‌رفتن روشنفکران اصیل، تا حدود زیادی محصول غالب‌شدن رویکرد و فرهنگ سلبریتی‌محور در جامعه امروز است. پدیده سلبریتی، زاینده دنیای مدرن و ناشی از علل و عوامل متأثر از جهانی‌شدن و دنیای رسانه‌ای شده است. فرهنگ سلبریتی با عنصر شهرت و شهرت‌طلبی عجین شده و از همین منظر، این فرهنگ کاذب، رویکرد و نیتی ظاهرگرایانه و صرفاً برای جلب توجه و دیده‌شدن دارد، تا رویکردی معرفتی و فکری برای آگاهی‌بخشی و معرفت‌آفرینی جهان‌شمول بودن، یکی از خصوصیات بارز روشنفکری است. قدر مسلم این است که باید با جامعه جهانی همراه بود و بر حفظ و تقویت ارزش‌های جهانی نظیر اخلاق، عدالت، آزادی، دموکراسی و حقوق بشر تأکید کرد؛ اما به نظر می‌رسد جریان شبه‌روشنفکری در ایران معاصر، به جای آنکه با زبان و اندیشه خود سخن بگوید، به شکلی افراطی غرب‌گرا شده و عمدتاً متأثر از فلسفه غرب است و کمتر مشاهده می‌شود که از خود بن‌مایه فکری داشته باشد؛ یعنی در هر مقاله، یادداشت و کتاب تألیف‌شده از سوی روشنفکر ایرانی، مدام به نظرات و دیدگاه‌های متعدد فیلسوفان و متفکران غربی معاصر ارجاع داده می‌شود. به همین دلیل، گفتمان و زبان این دست از روشنفکران، برای توده مردم قابل فهم نیست و به ندرت می‌توان آن ارتباط و دیالوگ برقرار کرد. روشنفکری عرصه تولید اندیشه، جریان‌سازی و گفتمان‌سازی است؛ بر همین اساس اندیشه‌داشتن، ابداع تئوری، استقلال فکری، حقیقت‌جویی، مطالبه‌گری، شهامت در عمل، همدردی با جامعه و از همه مهم‌تر ارائه راهکارهای مدون برای حل مسائل و بحران‌های موجود جامعه، از مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های روشنفکر و الزامات روشنفکری به معنای واقعی کلمه است؛ اما بسیاری از شبه‌روشنفکران جامعه امروز ما سیاست‌زده و دچار نوعی روزمرگی مفرط هستند و روشنفکری را تنها در نِق‌زدن و انتقادکردن‌های سطحی و کلیشه‌ای در شبکه‌های اجتماعی خلاصه کرده‌اند و همین هم باعث شده جریان روشنفکری در ورطه رکود و انزوا بیفتد. از طرفی، جریان شبه‌روشنفکری به لحاظ روان‌شناختی دچار نوعی توهم دانایی، خودبینی یا خودشیفتگی است و بیشتر از آنکه بر بن‌مایه فکری داشتن اصرار بورزد، صرفاً به پُر روشنفکری دادن اهتمام می‌ورزد؛ به نوعی روشنفکران امروز ما بدشان نمی‌آید مانند سلبریتی‌ها باشند و بیشتر در چهره یک سلبریتی روشنفکر خودنمایی کنند. روشنفکران اصیل جامعه برای احیای جریان روشنفکری و نقش‌آفرینی آن در عرصه جریان‌سازی و گفتمان‌سازی، بیش از هر چیز باید مرز خود را از جریان شبه‌روشنفکری جدا کنند و بر این نکته مهم تأکید داشته باشند که روشنفکری به معنی تقلدبودن، مترجم‌بودن و مصرف‌کردن اندیشه دیگران نیست، بلکه شرط اولیه آن، بن‌مایه فکری و معرفتی داشتن، استقلال فکری، شهامت و حریت در عمل و همچنین ابداع تئوری و راهکارهای مدون برای برون‌رفت از بحران‌های امروز جامعه است و اینکه این جریان باید بیش از گذشته، خود را مقید به شناخت نیازها و مطالبات جامعه بداند و بتواند با متن جامعه دیالوگ و ارتباط دوسویه برقرار کند.

سیاست
گفت‌وگو با دکتر حاتم قادری
وضعیت پات‌شدگی



عکس: مهدی تاجی/شوق

بخش بیشتر صحبت‌های بنده تا به اینجا حول پرسش بود که آیا می‌توان آینده‌ای دموکراتیک را برای ایران تصور کرد؟ مشروط‌کردن قدرت زمانی ممکن خواهد بود که شما هم به جهت پراتیک از قوا و نیروهای اجتماعی مناسب برخوردار باشید و هم به جهت نظری، امکان‌های موج‌ساز را در اختیار داشته باشید؛ اما وضعیت کنونی ما این اجازه را به ما نخواهد داد که گذار مناسبی صورت گیرد. ما اکنون واجد یک وضعیت ناموزون به لحاظ اجتماعی هستیم؛ برخی گروه‌های اجتماعی هستند که برای چنین گذاری می‌توانند مناسب باشند؛ یعنی نیرویی که بتوانیم تفهیم قدرت مدرن چیست و تقابل قدرت مدرن با قدرت‌های سنتی به‌ویژه سنت دینی ما چگونه است. تلاش‌هایی نیز که صورت می‌گرفت و رساله‌هایی نیز که نوشته می‌شد، از عهده این وظیفه بر نمی‌آمد. از طرفی ما نسبت به آن چیزی که در غرب اتفاق افتاد، دچار نوعی تأخر تاریخی نیز هستیم. در وجه پراتیک نیز می‌بینیم که در غرب، به اتکالی نیروهای اجتماعی است که می‌توانند وضعیتی را سامان دهند و قدرت را مهار و مشروط می‌کنند. در ایران، چنین نیروهای اجتماعی‌ای وجود نداشتند تا ما بتوانیم به آنها متکی باشیم. پس ما نه به جهت نظری و نه از نظر عملی، امکان مهار قدرت را نداشته‌ایم. تقریباً بخش اعظم کشورهای که در صد و اندی سال گذشته درگیر مواجهه با غرب شدند، چنین وضعیتی را دارند. برخی کشورها کم‌کم از این وضعیت فاصله می‌گیرند که آن نیز به دلایل خاصی صورت گرفته است؛ برای مثال، وضعیت هند یا ترکیه کمی متفاوت است. از این مصادیق که بگذریم، تقریباً تمامی کشورهای که در شمال آفریقا و خاورمیانه، آسیای مرکزی، جنوب آسیا و... حضور دارند، درگیر این ناکامی مشروط‌کردن قدرت بوده و هستند؛ به این جهت که نه اندیشه و نه نیروی اجتماعی، انجام چنین کاری را در اختیار نداشته‌اند. در ضمن، ما همواره در تلاطم و فرازوفروزد برقراری یک قدرت متمرکز و ساختارهای بسته و نیروهای گریز از مرکزی که در برابر آن وجود داشته، قرار داشته‌ایم؛ به‌طوری‌که هیچ‌گاه نتوانستیم به سامان مناسبی دست یابیم. ایران از این جهت نسبت به سایر کشورها وضعیت حادثری نیز دارد؛ چراکه در وضعیت ژئوپلیتیکی خاصی قرار گرفته است. به این معنا که نیروهای متخاصم و رقیب، همواره در ایران سرریز می‌کردند. همچنین، نیروهای اجتماعی ایران از عشایر و ایلات گرفته تا گروه‌های محدود شهری، همواره غیرمنسجم بوده‌اند. بعدها نیز طمع بر سر به‌چنگ آوردن موقعیت‌های پدیدآمده ناشی از اکتشاف نفت، به این مسائل شدت بخشید. پس اساساً عجیب نیست که ببینیم ایران از آن دست کشورهایی بوده که در ظاهر شعار مشروطه را پذیرفت، اما در برقراری سامان مناسب مشروطه، موفقیتی نداشت. این وضعیت تا به امروز نیز کاملاً با افت‌وخیزهایی در جریان بوده است. «مهم‌ترین وظیفه امروز گروه‌های اندیشمند، نقد قدرت است؛ اما صرفاً با نقد قدرت به شکل عام نمی‌توانیم راه برون‌شدی پیدا کنیم. نقد قدرت می‌تواند کمک‌حال ما باشد؛ اما قضا به فاصله نمی‌دهد.» بنده بر این نظرم که امکان دستیابی به یک سامان سیاسی دموکراتیک، تقریباً نشدنی است. شاید بدبینانه جلوه کند، ولی من ارزیابی خودم را از شرایط ارائه می‌دهم. ما نه مشق دموکراسی کرده‌ایم، نه نیروهای مناسب آن فراهم شده؛ این‌طور نیست که در یک موقعیت اجتماعی و جغرافیایی امنی به سر ببریم و بگوییم که اکنون وقت مشروطه‌شدن است. تقریباً این امکان به نحوی از دست رفته است. از طرفی، امکان اینکه برخی جنبش‌های مدنی به‌تثابی ما را از این وضعیت برهانند، خیلی ضعیف است. حتی اگر از این وضعیت نیز رهایی پیدا کنیم، امکان اینکه این جنبش‌ها بتوانند سامان مطلوب و مناسبی را فراهم کنند، ضعیف است.

جهت می‌تواند کمک‌حال گذار باشند یا به‌عنوان سدی در برابر آن قرار گرفته و عمل کنند». اما تا زمانی که نیروهایی ندعوی فراتاریخی حضور دارند، امکان چنین گذار و گردش وجود ندارد. وقتی چنین امکانی وجود دارد که این جریان مناسب برخورد را بشاید و هم به جهت نظری، امکان‌های ما می‌توانند این جریان‌ها را متقاعد کنند که اساساً جهان و ما باید به گونه دیگری باشیم و رفتار کنیم. این موارد نیز منوط به این است که بتوانیم با جهان ارتباطمان را برقرار کنیم و بخشی از گروه‌های اجتماعی را نیز به این اتلاف و تعامل، تقییم کنیم. نشدنی نیست و ممکن است تا حتی مدتی دیگر چنین اتفاقی رخ دهد.

● به نظر شما همچنان نوعی چنگ‌انگاری برای پیشبرد و گذار ایران به وضع آلت‌رئالیست مطلوب و ضروری است یا به‌این‌منظور چه‌سایا بهتر است که یک‌دستی صورت بگیرد؟

به این نکته اشاره کردم که برخی گمان می‌کنند که پروژه ناتمام، باید تمام‌شود. پروژه ناتمام به این معنی که هرگاه جریان راست تلاش کرده قدرت را تماماً از آن خود کند، با موانعی روبه‌رو شده است. اما اتفاقاتی که در حال رقم‌خوردن است، به نظر می‌رسد در حال حرکت به سمتی هستیم که گویی باید این پروژه کامل شود. نتیجه انتخابات مجلس نوعی یک‌دستی را نشان می‌دهد و به عقیده من اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، قطعاً سال آینده انتخابات ریاست‌جمهوری باید حل شود. به این معنی حل شود که یا شخصی باید رئیس‌جمهور شود

● نتیجه انتخابات مجلس نوعی یک‌دستی را نشان می‌دهد و به عقیده من اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، قطعاً سال آینده انتخابات ریاست‌جمهوری باید حل شود. به این معنی حل شود که یا شخصی باید رئیس‌جمهور شود.

میزانی از حقوق بشر رعایت شود. به‌عبارت‌دیگر می‌خواهم بگویم که همه امکانات در داخل کشور در اختیار ما قرار ندارد. نیروهای خارجی‌اند که می‌توانند برخی مسائل را برای ما تعیین کنند. این نیروها نیز زمانی از پس چنین کاری برمی‌آیند که در بین خود به وقایع دست یابند. یعنی در خارج نیز دست‌یابی به وقایع کار چندان ساده‌ای نیست. در خارج از ایران نیز ما تشنگ آرا را به‌وضوح می‌بینیم. آنجا نیز باید از این تشنگت خلاص

شود. در ایران نیز برخی گروه‌های اجتماعی باید به این نتیجه برسند که این همه نزاع منافع آنها را تأمین نمی‌کند و برخی باید به هیئت حاکمه برای ایجاد یک نظم کمک کنند. نکاتی که از رالز مطرح کردید درست است. ممکن است که برای مثال کشورهای اروپای شرقی زودتر نتوانند به چنین تعادلی دست یابند. به این دلیل که حکومت ایدئولوژیک را پشت‌سر گذاشته و همسایگان آنها نیز کشورهای غربی هستند و می‌توانند با آنها وارد یکسری مبادلاتی شوند که به سامان درونی آنها کمک کنند. اما حتی همسایگان ما نیز منابع آشوب‌اند. از افغانستان و پاکستان گرفته تا عراق و سوریه با وضعیت تخصصی که بین ما و عربستان وجود دارد، حتی برای چنین گذاری، خود همسایگان ما نیز مناسب نیستند. نمی‌خواهم بگویم که ما به سمت فلاکت پیش خواهیم رفت بلکه بیشتر می‌خواهم دشواری چنین گذاری را نشان دهم. یعنی هرکسی بخواهد واقعیت آینده ایران را ببیند، باید متوجه چنین سختی‌هایی باشد.

● به برخی نیروها و موانع گذار اشاره کردید. تا چه اندازه فکر می‌کنید که نیروهای مانع تغییر به‌نوعی از سویه‌های ایدئولوژیک به اقتصاد سیاسی گذار کرده‌اند و متحول شده‌اند؟ یعنی مسئله اساسی این نیروها امروزه نه ایدئولوژیک که منافع اقتصادی و سیاسی آنهاست؟

در عرایض به این نکته اشاره داشتم که «چه‌سایا بخشی از ثروتمندان حاضر به برخی تغییرات باشند؛ چراکه آنها در پی حفظ اشکال متنوع ثروتی هستند که پیش‌تر انباشت کرده‌اند. به این قضیه اهمیت می‌دهم و اتفاقاً معتقدم که همین الیگارشی‌های مالی هستند که از یک

● مشکل جواز ساخت و زیرساخت‌های شهرک کوثر فرهنگیان پاکدشت: شهرک کوثر فرهنگیان پاکدشت با وجود داشتن بیش از هزار قطعه مسکونی که ۲۰ سال از واگذاری آنها به فرهنگیان زحمتکش می‌گذرد و با وجود آنکه در بافت شهری شهرستان پاکدشت قرار دارد، هنوز در بخش عمده‌ای از آن مجوز ساخت به مالکان نمی‌دهند. در بخش‌هایی از شهرک هم که شهرداری جواز ساخت صادر می‌کند، با نبود زیرساخت برای ساختن ملک مواجهیم و هنوز بعد از ۲۰ سال نتوانسته‌اند زیرساخت‌های آب، برق و گاز را فراهم کنند که این امر باعث شده مالکانی که درصد ساخت زمین خود هستند، به دلیل نبود زیرساخت امکان ساخت نداشته باشند. درحالی‌که اگر این مشکلات مرتفع شود، در این شرایط تورم، مشکل مسکن تعداد زیادی از فرهنگیان و مالکان این قطعات رفع خواهد شد.

● لایروبی جوی‌ها و کندن برج‌سب‌های تبلیغاتی: در روزهای گذشته عوامل ناحیه یک شهرداری منطقه ۱۴ تهران برای لایروبی جوی‌ها و پاک‌سازی برج‌سب‌های تبلیغاتی تلاش مضاعفی انجام دادند. بجاست از توجه، بیکبری و کار خوب شهرداری و به‌ویژه از آقا دانیال عزیز که زحمات فراوانی کشیدند، قدردانی کنیم.

● علی از ساکنان خیابان سیرجان کارفرماها هوای کارگران را داشته باشند: پیشنهادهای دهم کارفرماها به دلیل شیوع بیماری کرونا بیشتر هوای کارگران را داشته باشند. واگذاری ماسک و دستکش کمک می‌کند کمتر به بیماری مبتلا شوند.

● محمد هادیان‌فر بی‌کاری، گرانی اجاره خانه و مشکل ازدواج جوانان: بی‌کاری و گرانی مسکن به‌ویژه سنگینی اجاره‌خانه مانع ازدواج جوانان شده است. افرادی مانند من که کار هم دارنند، پس از ازدواج به علت سنگینی اجاره خانه با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. این موضوع‌ها باعث شده سن ازدواج بالا برود و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. چرا جوانانی مانند من که ۳۰ سال به بالا هستند، به دلیل گرانی و مشکلات اقتصادی باید مجرد بمانند. نمایندگان مجلس با رسیدگی به این‌گونه مسائل در جوانان انگیزه ایجاد کنند.

● علی خازنی، کارشناس بیمه ادامه در صفحه ۹



جشنواره تابستانه

تخفیف ویژه • شرایط پرداخت

قرعه‌کشی برای ۷۷ نفر

نذروقت بگذره بیاموبکار

۰ ۰ ۱ ۲ ۲ ۲ ۲ ۵